

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زنان دربار به روایت اسناد

کتاب پنجم

فرح پهلوی

(جلد اول)

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

پاییز ۱۳۸۷

فرح پهلوی [تدوین مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات].
-- تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۷
ج. ۳. مصور. -- (زنان دربار به روایت اسناد : ۵)

ISBN 978 - 964 - 8145 - 57 - 1 (دوره)

ISBN 978 - 964 - 8145 - 38 - 0 (ج. ۱) ریال: ۳۲۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- زنان درباری --
اسناد و ساواک. ۲. فرح، ملکه، همسر محمدرضا پهلوی شاه ایران،
۱۳۱۷. ۳. سازمان اطلاعات و امنیت کشور -- اسناد و مدارک.
الف. ایران. وزارت اطلاعات -- مرکز بررسی اسناد تاریخی.

ب. فروست.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲۲

DSR ۱۵۰۶/۹

ج. ۵

۸۴ - ۳۸۸۸۹ م

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه :

زنان دربار به روایت اسناد

فرح پهلوی (جلد اول)

ناشر : مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول : پاییز ۱۳۸۷

شمارگان : ۱۵۰۰ نسخه

شابک : ۰ - ۳۸ - ۸۱۴۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN 978 - 964 - 8145 - 38 - 0

شابک دوره : ۱ - ۵۷ - ۸۱۴۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN 978 - 964 - 8145 - 57 - 1

<http://www.historydocuments.org.ir>

E _ mail: cihd@historydocuments

قیمت : ۳۲۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--------------------------------------|
| بنج | سخن ناشر |
| هفت | مقدمه |
| | اسناد موضوعی |
| ۱ | بیوگرافی و ازدواج |
| ۱۰۱ | شجره‌نامه، اقوام و دوستان |
| ۱۵۵ | نوشتن کتاب درباره فرح |
| ۲۰۱ | فرح و تابلو |
| ۲۲۳ | فرح و ورزش |
| ۲۵۲ | فرح و دینداری |
| ۲۹۵ | فرح و جواهرات و سکه |
| ۳۵۳ | فرح پهلوی و بوستر |
| ۴۱۵ | فرح و مجسمه |
| ۴۵۱ | فرح و برخی تشریفات (مشت نمونه خروار) |
| ۵۰۹ | فهرست اعلام |
| ۵۴۳ | ضمائم |
| ۵۷۳ | عکس‌ها |

سخن ناشر

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش مقدمه‌ای برای نشان دادن رضاخان به سلطنت بود. از آن زمان تا بهمن ۱۳۵۷ یکی از مهمترین مقاطع تاریخ ایران رقم خورد. دوره‌ای که پهلوی‌ها جز ظلم، جور و فساد، وابستگی و عقب‌ماندگی چیزی به یادگار نهادند. رضاخان و پسرش در حدود شش دهه زمامداریشان با غارت اموال عمومی و اندوخته‌هایشان به عیاشی و لاپالیگری و استحکام پایه‌های استبداد خویش پرداختند. ایران در این زمان در شوون مختلف به بیگانگان وابسته گردید. در زمینه فرهنگی رضاخان سیاست کشف حجاب را به اجرا گذاشت و روحانیت و علمای دینی و حوزه‌های علمیه را محدود نمود. مردم مسلمان برای مقابله با رژیم حرکت کردند و رژیم برای استمرار حکومتش به تجهیز ارتش و عمران زندانها پرداخت و انقلابیون و سیاسیون گرفتار حبس شدند و دهها سال در زندان انواع و اقسام شکنجه‌ها، تحقیرها و محدودیت را تحمل نمودند و بسیاری از آنها به قتل رسیدند.

با سلطنت محمدرضا، ایران وارد مرحله جدیدی از اضمحلال و فروپاشی بنیادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گردید و قدرت‌های مسلط جهانی مالک‌الرقاب ایران بودند و دستگاه حاکمه بازیچه دست آمریکا - انگلیس و اسرائیل گردید و آنان در قبال پذیرش حکومت پهلوی‌ها در ایران به غارت سرمایه‌های ملی ایران پرداختند، درباریان نیز دست در دست بیگانگان این روند را تسریع کردند و در دزدیدن، زدوبند و زراندوزی و به افلاس کشاندن کشور با آنان همراه شدند. زنان رضاشاه، برادران، خواهران و زنان محمدرضا و هزارفامیل پهلوی به جان سرمایه‌های مملکت افتادند و شیره جان مردم را کشیدند.

فرح پهلوی سومین زن محمدرضا شاه یکی از این درباریان بود. با این که او از خانواده‌ای متوسط به دربار پهلوی راه یافت اما مثل سایرین به زراندوزی و اشرافیگری پرداخت، خریده‌های مجلل او از مغازه‌های

گرانقیمت پاریس، برگزاری مسرفانه جشن عروسی، تاجگذاری و جشن هنر شیراز نمونه‌هایی از تمام واقعیت بود. او برای عوام‌فریبی به تشکیل دفتر خیریه و نهادهای به اصطلاح هنری دست زد تا گوشه‌ای از خودخواهی‌ها و خودکم‌بینی‌هایش را جبران و هزینه‌های بیهوده‌ای بر بیت‌المال تحمیل نماید و اینک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات اسناد او را برای ثبت در تاریخ و بهره‌برداری محققین، مورخین و پژوهشگران عرضه می‌دارد. این اسناد تنها گوشه‌ای از تمام واقعیت است زیرا به طور طبیعی بسیاری از اقدامات غیرقانونی، خلاف شرع و اخلاق در اسناد ثبت نمی‌شد. علی‌ایحال راجع به اسناد فرح پهلوی دو نکته قابل ذکر می‌باشد:

- ۱- به دلیل محدودیت، ساواک حق تشکیل پرونده و کنترل درباریان از جمله فرح پهلوی را نداشته و اسناد ساواک فرح بسیار کم است.
- ۲- اسناد کتاب فرح عمدتاً اسناد دفتر اوست و محتوای اسناد به معنای واقعی نمی‌تواند گویای تخلفات و اقدامات غیرقانونی او باشد.

مقدمه

۱- تولد

فرح دیبا در ۲۲ مهرماه ۱۳۱۷ ه‍.ش در تهران متولد گردید. سهراب دیبا - پدرش - اصالتاً آذربایجانی و فریده دیبا - مادرش - گیلانی بود. پدرش که تحصیلات نظامی خود را در شوروی و فرانسه فرا گرفته بود، پس از مراجعت به ایران به عنوان افسر در ارتش به کارگمارده شد و در سال ۱۳۲۷ به علت ابتلا به سرطان درگذشت.

۲- تحصیلات

فرح، تحصیلاتش را در مدرسه ایتالیایی‌های تهران به نام خواهران کاتولیک، آغاز نمود و در همانجا بود که به فراگیری زبان فرانسه پرداخت:

و شش ساله بودم که به مدرسه ایتالیایی وارد شدم. بالاتنه‌ای به رنگ سفید و دامنی اسکاتلندی به تن داشتم،^۱ وی سپس به دبستان ژاندارک تهران رفت، که این مدرسه نیز توسط راهبه‌های فرانسوی اداره می‌شد. او با بیان سابقه مدرسه، از جو مذهبی و مقدس [؟!]^۲ مدرسه چنین تمجید می‌کند:

و بنای صدساله مدرسه ژاندارک در نظر ما شکوه خاصی داشت. یکی از دو جناح ساختمان که دارای یاغچه کوچکی بود، به سکونت راهبه‌ها اختصاص داشت... یک کلیسا که در مدرسه ساخته شده بود به این مجموعه حالتی مقدس و مذهبی می‌داد.^۲

۱- خاطرات فرح پهلوی، کهن دیارا، نشر فرزاد، خارج از کشور، ص ۳۳

۲- خاطرات فرح، همان، ص ۲۶

در کتاب «کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران» در خصوص چگونگی و زمان شروع به کار مدارس فرانسوی زبان در ایران که هر کدام شاخه‌ای بودند از «آلیانس جهانی اسرائیلی»^۱ چنین می‌خوانیم:

«مدرسه‌های فرانسوی زبان از اواسط قرن ۱۹ در ایران شروع به کار نمود. مدرسه نوین فرانسوی زبان خود شاخه‌ای بود از آلیانس جهانی اسرائیلی که در سال ۱۸۶۰ در جهت همدردی با یهودیان و به اصطلاح رسیدگی به گرفتاری‌های همکیشان در سراسر جهان، برپا شد! مرکز این انجمن در پاریس بود و بنیانگذارش و آدولف. ک. میو و چند تن از روشنفکران یهودی بودند.»^۲

فرح تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی تهران سپری نمود و از آن دوران و مدرسه به خاطر داشتن ترکیب و آمیزه‌ای از دانش آموزان دختر و پسر با خوشحالی یاد می‌کند:

«برای اخذ دیپلم متوسطه وارد دبیرستان رازی شدم و از سه سالی که در این دبیرستان گذراندم خاطرات خوشی برایم مانده است. مدرسه رازی مختلط بود و برای من که در مدرسه ژاندارک با پسران سن‌نویی به گردش‌های جمعی رفته بودم، مختلط بودن مدرسه رازی، تعجب‌آور نبود.»^۳

وی برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و همچون دوران مدرسه ژاندارک و دبیرستان رازی، به دنبال ثبت‌نام در رشته‌ای بود که وقت کمی از او بگیرد؛ تا بتواند بیشتر به تفریح و گردش با دوستانش بپردازد. بر این اساس رشته معماری را برگزید:

«من نخست تصمیم داشتم در رشته علوم طبیعی وارد شوم. ما در این باره صحبت کرده بودیم و این خود من بودم که از این کار منصرف شدم، زیرا با علاقه‌ای که به گشت و گذار داشتم، تحمل گذراندن یک عمر را در مقابل میکروسکوپ نداشتم. بنابراین گرایش به رشته معماری دوباره به ذهنم بازگشت^۴ و از مدرسه معماری پاریس^۵ پذیرش گرفتم.»

فرح، سال اول تحصیل در رشته معماری را به علت سرخوشی و گذراندن با دوستان پسر و دختر با مردودی پشت سر نهاد^۶ و در پایان سال دوم در حالی که طرفی از تحصیل نبسته بود به ایران بازگشت و با طرح موضوع ازدواج با محمدرضا شاه، تحصیلات را به طور کامل رها نمود.

1- Alliance Israelite Universelle

۲- ناطق، هس. کارنامه فرهنگی در ایران (۱۹۲۲-۱۸۳۷)، با مقدمه فریدون آدمیت، نشر نظر، تهران، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۲۶.

۳- خاطرات فرح، همان، صص ۶۱ و ۶۲

۴- همان، ص ۶۴

5- Ecole Speciale d'architecture

۶- خاطرات فرح، ص ۷۰

۳- عضویت در پیشاهنگی

فرح به هنگام تحصیل در مدرسه ژاندارک به عضویت سازمان پیشاهنگی درآمد و برای اولین بار به عنوان نماینده سازمان پیشاهنگی ایران به فرانسه مسافرت کرد و در همین سفر از کشور یونان نیز دیدن نمود:

«نخستین سفرم را به فرانسه که در تابستان ۱۳۳۵ انجام گرفت نیز مدیون سازمان پیشاهنگی هستم. قرار بر این بود که دو دختر و دو پسر از میان ما در تجمع بین‌المللی پیشاهنگان، در کاخ ژامپ ویل^۱ در نزدیکی پاریس شرکت کنند...»^۲

۴- چپ‌گرایی

فرح در طول مدت تحصیل در فرانسه با گروه‌های مختلفی از دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه آشنا شد و در این بین شاید به وساطت رضا قطبی، به عقاید چپی گرایش پیدا کرد و در حوزه‌ها و محافل حزب توده شرکت نمود.^۳

به گفته احسان طبری، فرح دیبا در سالهای تحصیل در فرانسه، توسط یکی از اعضا به نام انوشیروان رئیس به حوزه‌های حزب توده رفت و آمد داشته است. فرح نیز در بعضی از مصاحبه‌ها به داشتن گرایش‌های چپی در زمان تحصیل در فرانسه اذعان دارد. این افراد چپ کسانی بودند که فرح از توانایی‌های آنان برای اجرای برنامه‌های ضد دینی خود، در زمینه‌های گوناگون هنری و ترویج بی‌دینی استفاده می‌کرد.

معمای اولین آشنایی با محمدرضا پهلوی

یکی از مسائل مطرح درباره فرح که هنوز جوابی قطعی به آن داده نشده و با وجود نقل قولهای بسیار، واقعیت همچنان در پرده ابهام قرار دارد، نحوه اولین آشنایی رسمی او با محمدرضا پهلوی است. او خود می‌گوید: محمدرضا را دو بار ملاقات کرده بود: اولین بار پس از فتح آذربایجان در سال (۱۳۲۵) و بار دوم در زمان تحصیل در فرانسه؛ که در این ملاقات به همت تفضلی موفق به صحبت با شاه شده است:

«در بهار سال ۱۳۳۹ فرصتی دست داد تا من به دیدار پادشاه نائل شوم. پادشاه برای دیدار رسمی و گفتگو با ژنرال دوگل به پاریس آمده بود و چنان که معمول است، سفارت ایران بر آن بود که چند نفر از ایرانیان را به او

معرفی کند و من یکی از منتخبین او بودم. در میان شلوغی سفارت، آقای تفضلی، وابسته فرهنگی دست مرا گرفت و به محمدرضا نزدیک کرد. چند دقیقه بعد با او دست دادم و گفتم: «فرح دیبا، مدرسه معماری» و ایشان پرسیدند: چند وقت است که در این شهر هستید؟ و من در پاسخ گفتم: «دو سال». تفضلی فوراً اضافه کرد: «این دختر خانم خیلی درسخوان است و شاگرد اول کلاس خود شده و زبان فرانسه را هم خوب صحبت می‌کند...»^۱

این اولین ملاقات فرح با شاه در دیداری دسته جمعی بود که تفضلی وی را به دروغ به عنوان شاگرد اول کلاس معرفی کرد در حالی که پیش‌تر ذکر شد که فرح در سال اول مردود شده است.

فریده دیبا - مادر فرح - داستان آشنایی فرح با شاه را از طریق اردشیر زاهدی می‌داند:

«فرح برای تمدید گذرنامه و اسنادش به وزارت امور خارجه می‌رود و در آنجا به او می‌گویند، به دلیل فعالیت‌های مضره، اسناد شما تمدید نمی‌شود و برای او قراری برای هفته بعد می‌گذارند... برادرم برای رفع مشکل از طریق دوستش احمدعلی ابتهاج با اردشیر زاهدی مرتبط بود اردشیر در ملاقات با فرح او را فردی شایسته برای همسری شاه دانست و با معرفی فرح به همسرش شهناز، زمینه آشنایی و ازدواج فرح با شاه ایجاد می‌گردد.»^۲

اما فرح در خاطراتش موضوع را به نحو دیگری مطرح نموده و آن اینکه برای گرفتن بورس تحصیلی از طریق اسفندیار دیبا - عمویش - که از دوستان اردشیر زاهدی و در این زمان مسئول دانشجویان ایرانی خارج از کشور در وزارت امور خارجه بود به او معرفی می‌شود و اردشیر فرح را در منزلش واقع در حصارک ملاقات و راجع به تحصیلات و برنامه‌هایش از او سؤالاتی می‌نماید و به فرح می‌گوید، قصد دارد او را به همسرش معرفی نماید.^۳

اردشیر زاهدی در خاطراتش برخلاف اظهارات فوق، قضیه را به نوعی دیگر تعریف می‌کند و می‌گوید:

«این روزها بحث ازدواج شاه مطرح و اسفندیار دیبا با او تماس گرفته و درخواست کرده، حالا که شاه قصد

ازدواج دارد، فرح را به شاه معرفی کنید شاید موردپسند محمدرضا واقع شود.»^۴

قول دیگر، سخن حسین فردوست است که می‌گوید:

«فرح از فرط استیصال برای کمک مالی به سراغ اردشیر زاهدی در حصارک می‌رود تا بتواند در پاریس

۱- همان، ص ۷۳

۲- دیبا، فریده، دخترم فرح، صص ۳۰-۳۶

۳- همان، صص ۷۶ و ۷۷

۴- اردشیر زاهدی و اشاراتی به رازهای ناگفته، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ دوم، ۱۳۸۱، نشر پیکان، تهران، ص ۱۰۷ و

تحصیل و زندگی کند. اگر ندانیم حصارک چیست، شاید مسئله مفهوم نشود. در حصارک ویلایی بود که اردشیر زاهدی با تعدادی از رفقای جوان او منتظر شکار دخترها و زنها می‌نشستند و هر مراجعه‌کننده از جنس مؤنث اگر موردپسند زاهدی واقع می‌شد، بلافاصله به اتاق خواب می‌رفتند و اگر موردپسند زاهدی نبود او را به یکی از رفقایش که حضور داشتند می‌داد، که آنها نیز در همان حصارک به اتاق خواب می‌رفتند. حالا این دختر با اطلاع از چنین وضعی برای درخواست پول به سراغ زاهدی در حصارک می‌رود، یعنی اینکه خود را تقدیم زاهدی کند. لابد زاهدی از این دختر خوشش نیامده بود که به محمدرضا تلفن می‌زند که دختری اینجا آمده و اگر اجازه دهید او را بیاورم. محمدرضا می‌پذیرد و بدون تحقیق قبلی که او کیست و خانواده او چیست، او را به فرودگاه می‌برد و در هواپیما به وی پیشنهاد ازدواج می‌کند.^۱

اظهارات گوناگون و متناقض در نحوه آشنایی فرح با شاه توسط کسانی که همگی نقشی مستقیم در موضوع داشته‌اند عجیب می‌نماید.

کتاب جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، نقش پنهانی سازمانهای جاسوسی غرب - سیا - را در ازدواج فرح با شاه محتمل دانسته، می‌نویسد:

«اسناد موجود بیانگر ارتباطات مرموز لیلی امیرارجمند با افسران اطلاعاتی بلوک شرق می‌باشد. این ارتباطات، که براساس اطلاعات فنی و انسانی اداره کل هشتم ساواک (ضدجاسوسی) تا روابط جنسی امتداد داشت، به اطلاع محمدرضا پهلوی رسید و ساواک خواستار بهره‌گیری از او به عنوان منبع خود شد. برخلاف انتظار، محمدرضا پهلوی با این بهره‌گیری موافقت نکرد و از سال ۱۳۵۲ کنترل ساواک بر روی او قطع شد. روشن است که این ارتباطات مرموز از سوی یکی از نزدیکترین عناصر وابسته به دربار پهلوی، نمی‌تواند طبیعی جلوه کند و قاعدتاً باید آن را به عملیات سرویس‌های غرب (CIA یا MI-6 یا موساد) منتسب ساخت و ظاهراً به همین دلیل نیز محمدرضا مانع دخالت ساواک در این ماجرا شد. برای ما روشن نیست که لیلی جهان‌آرافعالیت خود را در رابطه با سرویس‌های اطلاعاتی غرب چگونه و از چه زمانی آغاز کرده، ولی این ظن را قوی می‌دانیم که او - و احتمالاً به همراه فرح دیبا - از دوران تحصیل در فرانسه چنین کارکردی داشته است. با توجه به نقش مؤثر اردشیر زاهدی در ازدواج فرح با محمدرضا و با توجه به ارزیابی بسیار مثبت سرویس آمریکا (سیا) از فرح دیبا و جایگاهی که این سرویس برای فرح پس از فوت شاه باز کرده بود، این احتمال را جدی می‌دانیم که ارتباط فوق با سرویس اطلاعاتی آمریکا بوده است.^۲»

با زمینه‌چینی‌های اردشیر زاهدی و همسرش شهناز پهلوی، فرح در حصارک با شاه دیدار می‌نماید و

۱- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات فردوست، ج ۱، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران، ۱۳۶۹. چاپ اول، مؤسسه روزنامه اطلاعات، صص ۲۱۱ و ۲۱۲

۲- همان، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۲، صص ۴۴۲ و ۴۴۳.

آشنایی آغاز می‌شود:

«پس از ورود شاه، والا حضرت شهنواز اردشیر زاهدی مرا معرفی کردند و پادشاه با سادگی در میان ما

نشست. او فوراً صحبت با من را آغاز کرد، به نحوی که من موقعیت را فراموش کردم.»^۱

پس از این آشنایی، روابط شاه با فرح تا زمان ازدواج ادامه داشت:

«روابط و دوستی ما تا بدان جا رسیده بود که او گاه به گاه مرا با اتومبیل خود به گردش اطراف تهران می‌برد.

بدین ترتیب می‌توانستم از لذت با او بودن، بدون هرگونه تنشی برخوردار شوم و یا پادشاه یک روز

بعد از ظهر برای گفتگو در کنار استخر به کاخ بروم. بنابراین لباس شنای خود را همراه بردم و با هم شنا کردیم.»

ارتباط فرح با محمدرضا بی‌آنکه پیشنهادی برای ازدواج دریافت کند همچنان ادامه یافت تا اینکه

مجدداً کارت دعوتی از طرف شهنواز پهلوی برای صرف شامی در حصارک کرج به دست فرح می‌رسد و

در این جلسه، شاه به فرح پیشنهاد ازدواج می‌دهد فرح نیز بدون معطلی جواب مثبت می‌دهد:

«... سپس شاه دست مرا در دست خود گرفت و در حالی که در چشمان من می‌نگریست، گفت: حضری با

من ازدواج کنی، من فوراً جواب مثبت دادم.»^۲

مدتی پس از این توافقات، موضوع ازدواج فرح با محمدرضا از طرف دربار اعلام گردید:

«وزیر دربار شاهنشاهی باکمال مسرت خبر نامزدی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی را با دوشیزه

فرح پهلوی به اطلاع عموم می‌رساند. مراسم نامزدی در ساعت پنج بعد از ظهر روز دوشنبه: اول آذرماه در

کاخ اختصاصی برگزار خواهد شد.»^۳

با صدور این اعلامیه از طرف دربار، مقدمات برگزاری مراسم عروسی با بریز و بپاش بی‌اندازه و

فراوانی انجام گرفت. فرح به همراه یک هیئت، جهت خرید مراسم جشن به پاریس رفت و از گرانترین و

مشهورترین مغازه‌ها خرید کرد و هواپیمایی اختصاصی بین پاریس و تهران مرتباً در پرواز بود تا تمام

مایحتاج خریداری شده را از آنجا به تهران حمل نماید. فریده دیبا در این باره می‌گوید:

«برای جشن عروسی دخترم فرح، هواپیمای اختصاصی به طور مرتب بین تهران و پاریس حرکت می‌کرد تا

لوازم مورد نیاز مجلس جشن را به تهران بیاورد، گاهی اوقات خیاط فرانسوی که فراموش کرده بود یک نوار

روبان را به تهران بیاورد، هواپیما را به فرانسه برمی‌گرداندند تا برای او یک قطعه روبان بیاورد.»^۴

فرح در خصوص برنامه‌ریزی و چگونگی اعلام نامزدی‌اش با شاه می‌گوید:

۱- خاطرات فرح، همان، ص ۷۸

۲- همان، صص ۸۱ و ۸۲

۳- اسناد ساواک، پرونده موضوعی سال ۱۳۲۸

۴- دیبا، فریده، همان، ص ۵۸

وما تصمیم گرفتیم نامزدی خود را تا زمانی که من جهیزه به خود را نخریده‌ام اعلام نکنیم، دلم می‌خواست لباس عروسی‌ام را از پاریس بخرم و بازگشت به این شهر با آن احساس غریب و شادی‌آفرین به عنوان زنی که در آینده‌ای نزدیک ملکه خواهد شد مرا غرق در مسرت می‌کرد.^۱

فرح در توصیف گوشه‌ای از این تجملات، از لباسی صحبت می‌کند که روی آن نقره و مرواریددوزی شده بود:

و هنگام پوشیدن لباسی که روی آن با نخ‌های نقره‌ای و رشته‌های مروارید، نقش‌های ایران نقره‌دوزی شده بود، به اهمیت کار هنرمندان پاریس پی بردم.^۲

جالب اینکه برای این مراسم تمام اجناس حتی خیاط، آرایشگر، فیلمبردار، نوازنده، خواننده و ... را از خارج آوردند و فرح برای بسیاری از دوستان، همکلاسی‌ها، اساتیدش دعوت‌نامه به همراه بلیت رفت و برگشت فرستاد. خلاصه آنکه شهبانوی ساده‌زیست و ساده‌پوش که به وطن بسیار علاقه داشت(!) در این بزم شاهانه از هیچ‌گونه اسراف‌گری دریغ نکرد.

فرح درباره صبح روز مراسم می‌نویسد:

صبح سی‌ام آذرماه ۱۳۳۸، همگی زود از خواب برخاستیم. ازدواج بعدازظهر همان روز انجام می‌گرفت.

آخرین شب رانزد خویشانم گذراندم. لباسی که ایوسن لورن برایم طراحی کرده بود، در گوشه‌ای از اتاقم بر چوب

رختی آویخته بود. خواهران کاریتا برای آرایش من از پاریس آمده بودند. این دو هم نگران به نظر می‌رسیدند.^۳

در این مراسم تقریباً تمامی مسئولین عالی‌رتبه رژیم و نیز مهمانان بسیاری از خارج کشور شرکت کردند و هر کدام هدیه گرانبهایی که اکثر از طلا، مروارید و دیگر جواهرات نفیس بود به فرح اهدا کردند. به‌گونه‌ای که اطراف او پشته‌ای از جواهرات ایجاد شده بود.

۷- مفاسد اخلاقی

الف) قبل از ازدواج

فرح دیبا از دوران کودکی بر اساس الگو و ارزش‌های ضداخلاقی غربی تربیت یافت و از لحاظ روابط

۱- اسناد موضوعی دربار پهلوی، در سندی دیگر در این باره می‌خوانیم:

همسر ایزدی رئیس دفتر علیاحضرت ملکه مادر می‌گفت اعلیحضرت همایون شاهنشاه برای تهیه لوازم عروسی و لباس و غیره مبلغ ۵۰۰ هزار دلار در اختیار دوشیزه فرح دیبا و خانم قطبی زن‌دایی ایشان قرار داده‌اند و برای دوخت لباس فقط مبلغ یک میلیون فرانک به مؤسسه گریستان دیور پاریس پرداخت شده است.

۲- خاطرات فرح، همان، ص ۹۸

۳- همان، ص ۹۸

جنسی و اخلاقی چارچوب و محدودیتی برای خود قائل نبود. وی در دوران تحصیل در مدرسه ژاندارک با پسران رابطه داشت^۱ و در تفریح‌های دسته‌جمعی و شبگردی شرکت می‌نمود و به همین دلیل زمانی که برای تحصیل به فرانسه رفته بود، خوابگاه دارای ضابطه بود و از ورود پسران ممانعت می‌کردند که این مسئله باعث ناراحتی او گردید. وی می‌گوید:

«پس از آن توانستم در خانه هلند در کوی دانشگاه پاریس نزدیک پارک مون سوری^۲ اتاق بگیرم. این خانه مقررات سختی داشت و رفت‌وآمد پسران به آن ممنوع بود ... محیط تحصیلی در پاریس با آن چه من در مدرسه ژاندارک و رازی تجربه کرده بودم، بسیار متفاوت بود. سالها ما را به داشتن روحیه جمعی تشویق کرده بودند و حالا می‌بایست درست برخلاف آن رفتار کرد.»^۳

ظاهراً مقررات دانشگاه برای ایجاد جو تحصیل و کسب علم، مانع نمی‌شود که فرح دیبا به همان روال ایران عمل نماید؛ لذا در همان سال اول دانشگاه مرود می‌شود:

«من مجبور شدم سال اول را تجدیدکنم.»^۴

در همان زمان مدتی نیز با یک نروژی رفت‌وآمد داشت و به اصطلاح قصد ازدواج با او را در سر می‌پروراند.

سند ساواک به نقل از مجله ایسی پرس در این زمینه می‌نویسد:

«این خوشگل ناشناس بوسه‌های فرح را فراموش نمی‌کند. مجله ایسی پرس پس از سیزده سال نامزد سابق علیاحضرت را پیدا کرد. دانشجوی نمونه، مانند تمام زمان هم‌سن و سال اوقات خود را صرف خوشی‌های شیرین و بی‌ریای دوستی و محبت می‌کرد یک شب در کافه محله لاتن فرح با یک دانشجوی نروژی آشنایی پیدا کرد اسم او یوزن مایرولد است و این آشنایی یک عشق آتشین بین آنها ایجاد کرد در ابتدا کار آنها لاس‌زندهای معصومانه بود ولی دیری نپایید که این لاس‌زندها تبدیل به بوسه‌های بسیار عاشقانه شد و فرح زیبا عشق را کشف نمود اینها هزار طرح ریختند و برای تحقق آن با هم وعده ازدواج دادند.»

ولی پس از مدتی با طرح موضوع ازدواج فرح با شاه، فرح او را رها کرد. از آنجایی که فرح پهلوی از دوران کودکی با پسرای اش رضا قطبی بزرگ شده بود و با هم ارتباط داشتند پس از خروج این دو از کشور و سفر به فرانسه برای تحصیل، ارتباطی با هم داشته و احتمالاً قرار ازدواج نیز با هم گذاشته بودند ولی با سفر فرح به ایران و پیش آمد موضوع ازدواجش با محمدرضا پهلوی این مسئله باعث ناراحتی رضا

۱- همان، صص ۶۱ و ۶۲

۳- خاطرات فرح، همان، صص ۶۵ و ۶۶

۴- همان، صص ۷۰

گردید و او در خارج در اعتراض به این ازدواج مقاله‌ای در نشریه نیوزویک نوشت. سند ساواک در این زمینه می‌نویسد:

«جسته‌گریخته اکثر کسانی که با مطبوعات سروکار دارند فهمیدند که سال قبل یک شماره از مجله نیوزویک به دست مردم نرسید ولی علت آن را نفهمیدند. ولی به طور خفیف چند نفر آبراز می‌دارند که پسرعموی ملکه فرح در آن شماره مقاله‌ای نوشته و گفته بود (شاه ایران دخترعمو و نامزد مرا از من گرفت) و بعد مفصلاً از این موضوع شکایت کرده بود و این شماره گویا از خارج به دست آنها رسیده است»^۱

ب) بعد از ازدواج

تربیت فرح به نحوی بود که پس از ازدواج با محمدرضا، هم دست از کارهای انحرافی خود برنداشت. قسمتی از این بی‌بندوباری اخلاقی از سویی به تقلید از دربار و شخص شاه باز می‌گشت، به گونه‌ای که نحوه عمل او تشویقی برای دیگران، از جمله فرح بود. به قول فردوست، از دلایل جدایی فوزیه از شاه فساد اخلاقی او بود که برایش قابل تحمل نبود و از دیگر سو فرح محدودیت رابطه در حدود زن و شوهری را دوست نداشت و همواره افراد بی‌قیدوبند به امور اخلاقی را دوست داشت و آنها را تشویق می‌کرد، به همین دلیل لیلی امیرارجمند را الگوی روابط غیر اخلاقی خود قرار داد. زیرا او به محدودیت قائل نبود و در حضور شوهرش با جسارت با دیگران حرکات ناشایست انجام می‌داد و با وضعیتی نیمه عریان در مجالس حضور می‌یافت و شوهرش از ارتباط او با دیگران اطلاع داشت اما هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد و فرح همیشه در جمع دوستان، شوهر لیلی را به دلیل این بی‌غیرتی به عنوان یک شوهر خوب و متمدن مثال می‌زد و وی را تعریف و تحسین می‌کرد^۲ و هنگامی که درباره وضعیت لیلی امیرارجمند و انحرافاتش به او اعتراض می‌شد فرح در جواب می‌گفت:

«هر کس اختیار خودش را دارد و به شما مربوط نیست»^۳

فرح دیبا با آن سوابق اخلاقی، و اعتقاد به آزادی روابط زن و مرد، به منجلاب دربار فاسد پهلوی راه می‌یابد. جایی که خصیصه بارز آن فساد اخلاقی بود و هیچ‌کس به دلیل داشتن فساد اخلاقی نکوهش نمی‌گردید. در رأس مفسدین شخص محمدرضا قرار داشت که درباره فساد اخلاقی و بی‌بندوباری‌هایش کتاب‌ها نوشته شده است. فرح در موقعیت جدید، با پیوستن به مفسدان دربار، امکان بسیار خوبی برای لابی‌گری خود می‌یابد. انحرافات جنسی فرح به عنوان ملکه ایران، نه تنها از منظر و اطلاع درباریان

۱- اسناد ساواک، پرونده موضوعی ازدواج فرح پهلوی، مورخ ۱۳۵۱/۷/۹

۲- دلدن، اسکندر، خاطرات من و فرح پهلوی، ج ۳، ص ۱۰۷۱

۳- شهبازی، علی، محافظ شاه، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۲۷۶

مخفی نماند، بلکه در ایران و خارج کشور و رسانه‌های گروهی نیز پخش شد. پسرخاله فرح که پس از تبعید نیز با آنها همراه بود، درباره روابط انحرافی فرح می‌نویسد:

«در فرصتی که در این سفر پیش آمد مسئله روابط غیرعادی فرح با جوادی را با خانم دیبا در میان گذاشتم و این را بیشتر یک مسئله فامیلی می‌دانستم که صلاح را در آن دانستم که آن را با خاله‌ام در میان بگذارم. خانم دیبا حقیقتاً ناراحت شد و ظاهراً بعد از سفر با عتاب و خطاب مسئله را با فرح در میان گذاشته بود.»

احمدعلی مسعود انصاری در همین زمینه می‌گوید:

«مسئله مهم دیگری که هنگام اقامت در مکزیک پیش آمد و فوق‌العاده موجب تکدر و افسردگی بیش از پیش او (محمدرضا پهلوی) شد، ماجرای فرح و جوادی بود که از برده بیرون افتاد و به گوش شاه رسید.»^۱

البته محمدرضا از این رو افسرده شد که در اوج وخامت بیماری وی، همسرش به دنبال چنین مسائلی بوده است و الا شاه همان فرد بی‌قیدی است که همسر اولش یعنی فوزیه را به دلیل ترخیصیدن با میهمانان و رؤسای دیگر کشورها شدیداً مورد انتقاد قرار می‌داد.

اما آنچه از اهمیت بیشتر در این زمینه برخوردار است، اسناد دفتر فرح می‌باشد. سفارت‌خانه‌های ایران در خارج - به ویژه اروپا - بعضی اوقات اخبار روابط غیراخلاقی فرح را که در مطبوعات و نشریات خارجی به چاپ می‌رسید، جمع‌آوری و برای اطلاع دربار به ایران می‌فرستاد، لذا درباره انحراف جنسی فرح نیز گزارشهایی در اسناد فرح وجود دارد. یکی از این گزارش‌ها به نقل از نشریه Tage با عنوان، «شاهنشاه مأمور امنیتی شهبانو را تبعید فرمودند» می‌نویسد:

«شهبانو به اتاق خود تشریف می‌آورند و خوشحال هستند که به گردش در نزدیکی کوه البرز می‌روند. در این موقع نامه‌ای به دستشان می‌رسد که از امیر اکابری است. اکابری مأمور مواظبت از شهبانو می‌باشد و در این نامه از شهبانو خداحافظی می‌کند. شهبانو نمی‌دانند که شاهنشاه اکابری را تبعید فرموده‌اند. چون نمی‌توانستند، ببینند که کس دیگری در نزد شهبانو می‌باشد. شهبانو از این موضوع ناراحت هستند، چه بین ایشان و اکابری دوستی وجود داشته است. اکابری مشاور، منشی و مأمور مواظبت از شهبانو بوده است. اکابری همیشه شهبانو را در مسافرت‌هایش همراهی می‌کرده است.»^۲

خبر دیگری به نقل از مجله‌ای در آلمان آمده است:

«وزارت امور خارجه - اداره اطلاعات و مطبوعات

مجله Veue Post ضمن چاپ تمثال مبارک علیاحضرت شهبانو هنگام دست دادن یا هنرمندان تئاتر

۱- مسعود انصاری، احمدعلی، پس از سقوط، ص ۱۶۶

۲- استاد موضوعی، ۲۰ ژانویه

رودکی تهران، مطالبی پیرامون علاقه شهبانو به هنر تئاتر و روابط صمیمانه که با هوشنگ سهرابی هنرمند ایرانی دارند نوشته و اضافه می‌نماید که، بنابر تصمیم تشریفات دربار شاهنشاهی، سهرابی اجازه ورود به دربار را ندارد ولی شهبانو علاقمندند که با این هنرمند ملاقات نمایند.^۱

روابط فرح در این زمینه محدودیتی نداشت و با توجه به سفرهای خارج کشور و آزادی عمل بیشتر، گزارشی ثبت نشده، اما محافظ شاه در خاطراتش درباره ارتباط مردی سوئیسی با فرح آورده است: و علت صمیمیت فرح با پنجه شیر (مأمور اسکورت فرح) هم این بود که پنجه شیر یک بار فرح را در حال معاشرت با مری سوئیسی اش که یک نجار بود، دیده و به روی خودش نیاورده بود.^۲

۸- مذهب

مأموریت رضاخان و پسرش در ایران ریشه کن کردن اسلام و مسلمانی از این مرزوبوم بود و برای عملی شدن برنامه‌هایشان از هیچ کوششی فروگذار نبودند. خاندان پهلوی اعتقادی به اسلام و مبانی آن نداشتند و راه را تنها در جنگ علیه مذهب و تعالیم الهی قرآن برای اثبات سرسپردگی شان در قبال اربابان خارجی می‌دیدند و با رویکرد به این سیاست، در دوره رضاشاه کشف حسجاب، جلوگیری از فعالیت حوزه‌های علوم دینی، منع پوشیدن لباس روحانیت، رواج کلاه فرنگی و... اجراگردید و کشورهای بیگانه نیز با آزادی عمل بسیار و حمایت از سوی رژیم پهلوی^۳ از طریق اعزام مسیونرهای مذهبی و یا در قالب فعالیت‌های آموزشی به تأسیس مدارس خارجی در ایران دست زدند و راهبه‌ها و کشیش‌های مذهبی تحت عنوان آموزش به تبلیغ و ترویج آیین مسیحیت در ایران پرداختند.

فرح دیبا که تحصیلاتش را در مدارس مسیحی از جمله ژاندارک سپری کرده بود، دنبال جلب و جذب آنان در مدارس خارجی با راهبه‌ها حشر و نشر داشت و الگوی رفتارشان زنان راهبه بودند، خود او می‌نویسد:

«پربارترین روزهای جوانیم آنجا گذشت (مدرسه ژاندارک) و بیشتر به یمن آشنایی با راهبه [ای] جوان به نام سور کلر^۴ که با ابتکارات خود آداب و رسوم این مدرسه را دگرگون کرده بود، از جمله این ابتکارات تشکیل یک تیم بسکتبال بود که شرکت در آن موجب شد من از کودکی خجول و منزوی به دختری متکی به خود تبدیل شوم. به محض ورود به مدرسه ژاندارک، وارد این تیم شده و برای نخستین بار با روشهای

۱- همان، ص ۵

۲- همان، محافظ شاه، ص ۲۰۶

۳- اسناد دفتر مخصوص فرح، مورخ ۲۵/۱۲/۱۹

تربیتی پرتحرک راهبه‌های فرانسوی آشنا شدم.^۱

رسالت اصلی مدارس غربی در کشورهای جهان سوم و مسلمان چند محور عمده دارد که از جمله آن معرفی فرهنگ و ارزشهای غربی و زمینه‌سازی، تربیت و آموزش دین و مذهبشان در بین سایر ادیان و ملل می‌باشد. لذا فرح با این زمینه‌چینی‌ها، به مسیحیت گرایش می‌یابد، به طوری که فریده دیبا می‌گوید:

ولیلی امیرارجمند در اروپا تغییر دین داده و به مذهب کاتولیک گرویده بود. من در فرح نیز تغییرات کلی احساس کردم. عجیب نبود دختری که در مدرسه ژاندارک تحصیل کرده و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفته و همه دوران کودکی و نوجوانی و جوانی خود را تحت نظر معلمه‌ها، راهبه‌ها و اساتید فرانسوی گذرانده این قدر تربیت غربی پیدا کرده باشد.^۲

به هر حال آنچه درباره تربیت غربی فرح، فقدان زمینه‌های مذهبی در او و حضورش در خارج از کشور گفته شد، باعث گردید که او و افرادی همچون او با رویگرداندن از مذهب و سنتشان، به پوچ‌گرایی و بی‌دینی روی آورند و اگر گرایشی نیز به مذهب مسیحیت داشته‌اند، نه به خاطر دینداری و خداپرستی، بلکه به خاطر این بود که غربیان اینان را به عنوان افرادی غربی شده قبول نمایند و در جمع‌شان بپذیرند.

۹- زندگی اشرافی

فرح دیبا قبل از ازدواج با محمدرضا از وضعیت مالی نامناسبی برخوردار بود. به نحوی که برای دریافت کمک مالی جهت تحصیل در فرانسه به سراغ اردشیر زاهدی رفت تا مشکلش را حل نماید. چنین زنی هنگامی که به دربار پهلوی راه یافت، مبهوت خرج‌های افسانه‌ای آنها گردید و از اولین روزهای شروع زندگی جدید، در صدد رفع عقده‌های حقارت گذشته خود برآمد. به همین دلیل برای خرید لوازم عروسی به پاریس رفت و در مغازه‌های مشهور پاریس خریدهایش را انجام داد و... مجلسی افسانه‌ای ترتیب داد. این روحیه در تمام طول حضورش در ایران ادامه داشت. بی‌گمان یکی از دلایل قیام ملت بزرگ ایران، پایان دادن به این یغماگرها بود.

در این قسمت چند محور از مخارج او را بیان می‌نماییم.

الف) جواهرات فرح

فرح دیبا سرمایه‌های ایران را متعلق به شاه و خود می‌دانست و هرگونه و هر مبلغ که میل داشت هزینه

۱- خاطرات فرح، همان، ص ۵۱

۲- دیبا، فریده، همان، ص ۲۹

می‌کرد. اغلب این مخارج جنبه تفتن داشت و از آنجایی که سرمایه‌های نفتی به خزانه دولت واریز می‌شد و فرح و دستگاه حاکمه آن را متعلق به خود پنداشتند، صرف بیهوده آن را نیز حق خود می‌دانستند. یکی از خرج‌های متداول فرح و نزدیکانش، خرید جواهرات گرانقیمت مانند طلا، مروارید، الماس و ... بود. همان‌طور که در مباحث گذشته نیز ذکر شد، با آنکه در روز عروسی هدایای فراوانی از طلا، مروارید و ... به او داده شد، اشتهای سیری‌ناپذیر آنان التیام نیافت لذا به بهانه‌های مختلف برای خرید اشیای قیمتی به سفرهای گوناگون - به ویژه خارجی - می‌رفتند.

همچنین فرح بهلولی به عنوان یک مشتری دائمی برای جواهر فروشان غربی مورد توجه بود و هرگاه جنس عتیقه و یا جواهر گرانقیمتی برای فروش داشتند، که برای دیگران خریدش ممکن نبود، پیشنهاد فروش آن را به فرح می‌دادند. سند دفتر فرح در این رابطه می‌آورد:

«جناب آقای کریم پاشا بهادری، بانو Sheila Mathews که در نیویورک به شغل جواهرفروشی اشتغال دارد طی نامه‌ای اطلاع داده است که هشت قطعه سنگ یشم که در فاصله سالهای ۱۷۳۵ - ۱۷۳۳ به فرمان Yung Cheng امپراطور چین ساخته شده و امپراطور آن را به مادر خود هدیه کرده است، در اختیار دارد. روی سنگ‌های مزبور ستایشنامه‌ای به خط چینی و منچوری در زمان امپراطوری خطاب به مادرش حکاکی شده است. قطعه عکسی از سنگ‌های مزبور با تاریخچه آنها، ترجمه انگلیسی نوشته‌های آن و دو برگ گواهینامه برای اثبات اصالت آنها که بانو Mathews به سفارت ارسال داشته است به پیوست ایفاد می‌گردد. خواهشمند است عکسها و نوشته‌های ضمیمه آن را از لحاظ مبارک علیاحضرت شهبانوی ایران بگذرانند. سفیر شاهنشاه آریامهر - اردشیر زاهدی»^۱

تمام جواهرات فرح، در دربار بود تا اینکه با بروز نشانه‌های سقوط رژیم، به خارج از کشور منتقل گردید و در بانکهای اروپایی و سوئیزی به امانت سپرده شد که به موقع از آنها استفاده شود: احمدعلی مسعود انصاری پسرخاله فرح به مسئله خروج جواهرات در چهار جعبه بزرگ که هر یک به اندازه نیم قد انسان بوده اشاره می‌کند.^۲

علی شهبازی محافظ شاه نیز به این مسئله اشاره دارد:

«در سال ۵۶ با شروع اولین تظاهرات، محمدرضا بهلولی اقدام به خروج پول و دارایی‌ها از ایران کرد. در سه مرحله خروج دارایی‌ها من دخالت داشتم و جعفر بهبهانیان هم بود. هر مرحله دو کیف دستی بزرگ را که از محتویات آنها بی‌اطلاع بودم به سوئیس منتقل کردیم.»^۳

۱- استاد موضوعی، مورخ ۵۲/۸/۲۹

۲- مسعود انصاری، احمدعلی، همان، ص ۳۰۱

۳- شهبازی، علی، همان، ص ۲۹۹

ب) مسافرت‌ها

شاه و فرح بخش قابل توجهی از سال را در مسافرت‌های داخلی و خارجی سپری می‌کردند و گاهی اوقات سفرهایشان به خارج چند ماه طول می‌کشید. این سفرها به همراه بسیاری از درباریان و محافظان و خدمه انجام می‌گرفت که مجموعه این سفرها هزینه‌های گزافی را به بیت‌المال تحمیل می‌کرد. مینو صمیمی کارمند دفتر فرح بود که به زبانهای آلمانی، فرانسه و انگلیسی مسلط بود و به عنوان مترجم در بسیاری از سفرهای شاه و فرح به خارج آنان را همراهی می‌کرد، در این زمینه در کتاب خاطراتش می‌نویسد:

«شاه و فرح به همراه ۴۰ نفر، برای اسکی طی ماههای ژانویه و فوریه به سن موریتس سوئیس رفته و در ماه مارس برمی‌گشتند و در آنجا دو طبقه از هتل دولار را اجاره می‌کردند و همچنین در کاخ کوهستانی فرح در سن موریتس به سر می‌بردند و تمام هزینه این مسافرت بدوش مردم بود.»^۱

اما توجیه فرح برای عدم استفاده از پیستهای داخلی و سفر به سوئیس و بازی در پیست اسکی سن موریتس در نوع خود جالب است:

«مثلاً می‌بایست مواظب صف بستن و نوبت گرفتن مردم برای استفاده از تله اسکی باشم و یا مانع از آن شوم که مأمورین مرا خارج از نوبت سوار کنند. به همین جهت سن موریتس برای ما واحدهای به شمار می‌رفت که گذراندن دوره‌ای کوتاه در آن، نیروی لازم را برای ادامه فعالیت در طول سال به من می‌داد.»^۲

دربار پهلوی برای مردم ایران ارزشی قائل نبود و دلیل اصلی سفر به اروپا، جهت بی‌بندوباری و هر عمل غیراخلاقی به دور از چشم مردم بود. ویلیام شوکراس در این زمینه می‌نویسد:

«هر وقت شاه و فرح به سن موریتس می‌رفتند، ملکه به ویلای سوورتا متعلق به خودشان می‌رفت و شاه برای عیاشی در هتل سوورتا اقامت می‌کرد.»^۳

و مطلبی که فرح در خاطراتش به آن اشاره دارد نیز حکایت از این موضوع دارد:

«بدیهی است که من از اسکی کردن در کوهستانهای ایران لذت بسیار می‌بردم، ولی نمی‌توانستم لحظه‌ای آزادانه و بی‌دغدغه، چنانکه در سن موریتس ممکن بود، همانند دیگران باشم.»^۴

دوره کوتاه مدت سفر محمدرضا و فرح به سن موریتس را به نقل از روزنامه رسمی کشور بخوانید:

«شاهنشاه و شهبانو به وطن مراجعت فرمودند. شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح از سفر یک ماهه

۱- صمیمی، مینو، در خدمت تخت طاووس، ص ۷۴

۲- خاطرات فرح، همان، ص ۱۸۵

۳- شوکراس، ویلیام آخرین سفر شاه، ص ۴۱

۴- خاطرات فرح، همان، ص ۱۸۴

اروپا به وطن مراجعت فرمودند. طبق گزارشات رسیده، اعلیحضرتین در «سن موریتس» واقع در سوئیس، در ویلایی که «سورن» نامیده می‌شود به استراحت و ورزش‌های زمستانی پرداخته‌اند.^۱

هزینه‌های اشرافی دربار پهلوی حد و مرزی نمی‌شناخت. سندی دیگر در این زمینه چنین گواهی می‌دهد:

«جناب آقای روحانی وزیر کشاورزی

در اجرای اوامر صادره در مورد واگذاری زمین جهت پیست اسکی مصنوعی، خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامات انجام شده هر چه زودتر این دفتر را مستحضر دارند.»^۲

در ادامه پیگیری‌ها برای احداث پیست اسکی مصنوعی جهت بازی اسکی در تایستان، قراردادی با یک نفر خارجی منعقد می‌گردد تا با صرف دهها هزار دلار برای شاه و فرح پیست احداث شود. در یکی دیگر از اسناد دفتر فرح آمده است:

«جناب آقای موقفی سفیر ایران در عمان، آقای سیمون خوی که در مورد پیست اسکی مصنوعی وارد عمان گردیده است، برای تحویل مدارک خود به آن سفارت مراجعه خواهد کرد. خواهشمند است دستور فرمایید از طریق سفارت شاهنشاهی به هر ترتیب که مقتضی است، مدارک مزبور را از نامبرده اخذ و به این دفتر ارسال فرمایند. هوشنگ نهاوندی»^۳

در دفتر فرح پهلوی، اسناد فراوانی دربارهٔ مخارج سفرها و خریدهایش در خارج وجود دارد. برای نمونه این سند را بخوانید:

«عطف به ... ضمن اعلام وصول چک شماره ۵۰۴۰۵ صندوق کارکنان دربار شاهنشاهی به مبلغ ۳/۰۹۶/۴۰۰ ریال بابت هزینه تشریف‌فرمایی به انگلستان، خواهشمند است دستور فرمایید مبلغ پنجاه هزار و هفتصد و هفتاد و یک ریال، بابت بقیه هم‌ارز ریال مبلغ ۲۴۶۱۹/۶۴ پوند و هزینه‌های بانکی حواله مزبور را که توسط این دفتر پرداخت نگردیده است، به این دفتر ارسال دارند.»^۴

در ضمن این سفرها انواع خریدها نیز صورت می‌گرفت که دربار و وظیفه پرداخت آن را به عهده داشت. و به عرض می‌رساند:

رونوشت گزارش جناب آقای امیر تیمور کلالی، سفیر شاهنشاه آریامهر در هندوستان را به پیوست تقدیم می‌دارد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند، بابت بهای اشیاء خریداری شده از هندوستان مبلغ ۵۷۶۹۲ روپیه

۱- روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۴/۱۲/۲۴

۲- اسناد دربار، مورخ ۵۶/۱۰/۲۹

۳- همان، مورخ ۵۶/۳/۲

۴- همان، مورخ ۵۵/۵/۲۸

(به دلار) باید به سفارت حواله گردد که به مغازه‌های مربوطه بپردازد ...

اما وسایل خریداری شده:

۱- سه مجسمه از علیاحضرت شهبانو و یک مجسمه از والاحضرت همایون ولیعهد که خاتم مهری معتمد از آمریکا ارسال داشته به دفتر رسیده است.

۲- ده عدد قوطی سیگار مرمر که حسب الامر مبارک، به وسیله دفتر به سفارت شاهنشاهی ایران در هندوستان سفارش داد شده بود با پست هوایی ارسال داشته‌اند.^۱

علاوه بر ولخرجی‌های فوق، باید به حاتم‌بخشی‌های فرح و همراهان و دادن هدایای گرانبهای مختلف، همچون: قالیچه، خاویار، انواع مشروبات الکلی تا سکه طلا اشاره کرد که برای جلب اعتماد بیشتر آنها نسبت به رژیم پهلوی، به سران کشورها، دوستان، میهمانداران و... هدیه می‌شد. در اسناد فرح در این زمینه می‌خوانیم:

«آقای بلورچی رئیس صندوق، یکصد و پنجاه عدد سکه نیم پهلوی و یک صد هزار فرانک برای سفری که در پیش است و در رکاب اعلیحضرت شهبانو عازم اروپا هستیم به اینجانب پرداخت نمایند.»^۲

صرف این هزینه‌های بیهوده در حالی صورت می‌گرفت که بسیاری از مردم ایران در مناطق دور دست، و حتی خود تهران از حداقل امکانات معیشتی و بهداشتی محروم بودند. دربار پهلوی به جای اینکه به مشکلات داخلی بپردازد و به دنبال رفع آنها باشد، تنها از این طریق به جلب رضایت اروپاییان و بیگانگان می‌اندیشید.

ج) هزینه دندانپزشکی

فرح و دربار پهلوی تعلق خاطری به ایران نداشتند و تمام نیازمندی‌هایشان را از خارج کشور تأمین می‌کردند. تا جایی که حتی برای ابتدایی‌ترین نیازمندی‌های درمانی خود، از خارج کشور پزشک دعوت می‌نمودند، و دستمزد چند برابر، مخارج سنگین آمد و شد و چند هفته گشت و گذار در ایران از صندوق دربار ایران پرداخت می‌شد.

سند دفتر فرح در این باره می‌آورد:

«وزارت دربار شاهنشاهی، اداره پیمان‌ها و اعتبارات خارجی»

دندانپزشک علیاحضرت شهبانوی ایران، صورت حسابی که فتوکی آن پیوست است جهت این سفارت

۱- همان، مورخ ۱۳۴۷/۱۱/۷

۲- همان، مورخ ۱۳۵۵/۱/۱۵

ارسال داشته بلافاصله از موجودی آن اداره محترم صورت حساب مزبور تسویه و عین سند ضمن ارسال صورت حساب در آخر سال ایفاد می‌گردد. ^۱ سفیر، محمود اسفندیاری»

در ادامه سند که از پرداخت وجه حکایت دارد، می‌خوانیم:

«جناب آقای علم وزیر دربار

حسب الامر بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، مبلغ ۱۵۰۰۰ دلار از طریق صندوق کارکنان دربار شاهنشاهی برای حق الزحمه:

۱- آقای دکتر پلام، ۲- آقای دکتر گریس در اختیار اینجانب گذاشته شد. به موجب رسیدهای ضمیمه مبلغ ۱۵۰۰۰ دلار به طور مساوی به آقایان دکترها پرداخت شد. ^۲ و ...»

جالب اینکه برای درمان دندان درد فرح، دو نفر از خارج دعوت شده‌اند که هزینه‌های ایاب و ذهاب و ... نیز از صندوق دربار پرداخت می‌گردید. در حالی که دندانپزشکان ایرانی نیز از عهده چنین درمانهای ساده‌ای برمی‌آمدند. آن دو از سویی در اثر بیماری روانی و کمبود شخصیتی خود را تافته جدابافته می‌دانستند و از سوی دیگر به خاطر ابتلا به بیماری خودکم‌بینی که از آنان به دیگر اقشار مردم نیز سرایت کرده بود، برای جزئی‌ترین درمان نیز پزشک خارجی دعوت می‌کردند. مینو صمیمی درباره این موضوع می‌نویسد:

«روزی از تهران به سفارتخانه تلفن شد و دستور اعزام یک دندانپزشک سوئسی برای معالجه دندان درد شاه، به سفیر ابلاغ گردید. دقیقاً ۱۸ ساعت پس از دستور دربار برای اعزام دندانپزشک سوئسی، ما توانستیم او را به اتفاق همسرش سوار بر «جامبوجت سوئیس ایر» راهی تهران کنیم، و آن‌طور که بعداً فهمیدم، دربار نیز برای جلب رضایت دندانپزشک امتیازاتی فوق تصور او برایش قائل شده بود. از جمله دستمزد کلان، دو هفته سفر به اصفهان و شیراز و تخت جمشید، پرداخت کلیه مخارج اقامت او و همسرش در ایران و دریافت یک تخته فرش ابریشمی گرانقیمت به عنوان هدیه از سوی شاه و ... ^۳ همچنین فرح مردی سوئدی را که متخصص ماساژ بود، برای خودش استخدام کرده بود. ^۴»

د) غذای خارجی فرح

تمامی ارتباط خاندان پهلوی با خارج بود و فرهنگ غالب در دربار پهلوی خودباختگی به غرب بود.

۱- همان، مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۱۹

۲- همان ۵۲/۶/۴

۳- صمیمی، مینو، همان، صص ۹۲ و ۹۳

۴- دیبا، فرح، دختر یقیم، ج ۲، ص ۲۰۰

خاندان پهلوی با نابود کردن کشاورزی ایران، کشور را در همه زمینه‌ها به خارج وابسته نمود. این خاندان در زمان حکومتشان وجه اشتراکی با ایرانیان نداشتند و همواره می‌کوشیدند به شیوه غربیان زندگی کنند. شاه و فرح پهلوی خود را مهمانانی می‌انگاشتند که چند صباحی بر سر این خوان یغما نشستند و تا می‌توانند و فرصت باقی است باید سرمایه‌های مادی و معنوی این کشور را غارت کنند. با مروری به وسایل ترخیصی از گمرک و مکاتبات انجام گرفته برای دربار، چنین درمی‌یابیم که اینان غذاهایشان نیز از خارج وارد می‌شد و به مواد خوراکی وطنی توجهی نداشتند و حتی پنیر و گوشت‌شان از کشورهای اروپایی و آمریکایی وارد می‌گردید:

«جناب آقای ناصر مشیری - رئیس دفتر علیاحضرت ملکه پهلوی

مبلغ ۲۹۰۴۲/۸۰ فرانک فرانسه ارسالی وصول و طبق نامه فوق‌الاشاره مبلغ ۲۵۴۸/۱۵ فرانک آن در وجه موسسه دیور و مبلغ ۳۵۵۷/۲۳ فرانک بقیه در وجه فروشنده اغذیه پرداخت گردید.»^۱
سندی دیگر:

«تاکنون وجوه دو فقره فاکتور مورخ ۱۹۷۱/۱/۲۲ مبلغ ۲۳۵/۲۷ فلورن و فاکتور مورخ ۱۹۷۱/۴/۲۲ به مبلغ ۳۶۷/۶۵ فلورن به این سفارت حواله نشده و گوشت P. Slotwey پول خود را مطالبه می‌نماید.»^۲
علی شهبازی - محافظ شاه - درباره آوردن غذا برای فرح از خارج می‌نویسد:
«فرح از همان روز اول که وارد دستگاه دربار شد حتی صبحانه‌اش از فرانسه وارد می‌شد. از غذاها و نوشابه‌های ایرانی تفر داشت.»^۳

در یکی از اسناد فرح، درباره خرید اغذیه از فرانسه می‌خوانیم:

«کاخ بندگان علیاحضرت ملکه پهلوی جناب آقای مشیری عین صورت حساب واصله از سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس به مبلغ ۲۲۵۷/۹۵ فرانک فرانسه بابت بهای اغذیه مورد سفارش کاخ علیاحضرت ملکه پهلوی به ضمیمه فرستاده می‌شود. دستور فرماید مبلغ مزبور را در وجه سفارت شاهنشاهی ایران به پاریس حواله نمایند.»^۴

با این حال خاندان پهلوی خود را میراث‌دار دوران ایران باستان می‌دانستند و برای اثبات این مسئله جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را برگزار نمودند ولی در این جشن، اثری از غذای ایرانی نبود و

۱- اسناد دربار مورخ ۱۳۵۰/۱۲/۱۵

۲- همان، مورخ ۱۹۷۱/۱/۲۲

۳- شهبازی، علی، همان، ص ۲۹۰

۴- اسناد دربار مورخ ۱۳۵۰/۱/۳۱

غذاهای ضیافت را رستوران ماکسیم فرانسه تهیه می‌کرد.^۱

ها دیپلماسی کفش پارچه‌ای

وزارت امور خارجه به جای انجام امور ذاتی خود در قبال ارتباط با کشورها و تبادلات گوناگون در این زمینه، به پیگیری مأموریت‌های محوله از طرف دربار (شاه، فرح و ...) می‌پرداخت و به طور کلی اولویت را به اجرای دستورات صادره از دربار و تهیه لیست‌های ارسالی می‌داد و اگر سفیری در این کارها، اهمال می‌ورزید، به دلیل اینکه به وظایفش به خوبی عمل نکرده از سفارت برکنار می‌گردید. دفتر فرح پهلوی از این‌گونه اسناد فراوان دارد، اما یکی از آنها، از اهمیتی خاص برخوردار است:

«جناب آقای دارا سفیر محترم شاهنشاهی آریامهر در پراگ:

علی‌احضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران فرمودند گویا در چکسلواکی نوعی کفش‌های پارچه‌ای تخت لاستیکی تهیه می‌شود، برای اشخاصی که باید زیاد بایستند و به طور ایستاده کارهای مربوطه را انجام دهند و این کفش‌ها از نظر طبی طوری ساخته شده که برای جلوگیری از بیماری واریس پامفید است و مورد استفاده زنان کارگر قرار می‌گیرد. مقرر فرمودند مراتب فوق را به استحضار جناب عالی برسانم که راجع به کفش‌های مذکور تحقیق لازم را بفرمایید و در صورتی که در چکسلواکی این نوع کفش‌ها موجود است یک جفت از آن را تهیه و با نتیجه تحقیقاتی که به عمل آمده ارسال فرمایید و به عرض مبارکشان برسد.^۲

برای اجرای دستور صادره، سفارت‌خانه‌های ایران در اروپا و آمریکا شروع به فعالیت نمودند و با انجام تحقیقات گسترده و تهیه گزارش‌هایی مبسوط، نتایج فعالیت‌هایشان را به همراه نمونه کفش‌هایی که تهیه کرده بودند برای فرح ارسال کردند. در این مأموریت جفت کفش به دربار رسید که کمتر کفشی مورد نظر و سلیقه فرح واقع گردید.

این سند یکی دیگر از آن گزارش‌هاست، بخوانید:

«جناب آقای فضل‌الله نبیل پیشکار محترم علی‌احضرت، مرقومه شماره ۸۲۷۵ مورخ ۲۰/۱۰/۴۶ عزوصول بخشید در امثال اوامر مطاع مبارک علی‌احضرت شهبانوی ایران این عریضه یک جفت نیم چکمه تخت پلاستیکی پارچه‌ای مخصوص زنان کارگری که کار می‌کنند مصنوع رومانی تقدیم می‌شود. طبق تحقیقاتی که به عمل آمده برای ساختن این نوع کفش دو کارخانه در رومانی وجود دارد که یکی از شهر تیمشوارا و دیگری در اورادیا می‌باشد، در صورتی که تفصیل بیشتری مورد نیاز باشد ابلاغ تا پس از تحقیق نتیجه به

۱- شوکراس، ویلیام، همان، ص ۴۰

۲- اسناد دربار مورخ ۱۳۴۶/۹/۲۹

عرض رسانیده شود.^۱

درباره این مکاتبه چند نکته قابل ذکر است. یکی اینکه فرح نامه‌ای با یک متن تهیه و فقط جای کشورهای مختلف را که ایران در آنجا سفارتخانه داشته عوض کرده است. فرح در متن نامه، به دروغ مدعی شده که کفش مورد نظر را در همان کشوری دیده که نامه را به آنجا ارسال کرده است تا از این طریق سفیر را به پیگیری جدی وادارد. دیگر اینکه فرح در خاطراتش ادعا نموده که صبح تا شب کار می‌کرده تا برای ایرانیان رفاه و آسایش تأمین کند و این کفش‌ها را هم برای خود، می‌خواست تا پاهایش در طول روز به دلیل ایستادن زیاد واریس نگیرد؟! البته درخواست‌های فرح محدود به مقطع خاصی نبود و سفارتخانه‌های ایران در اروپا و آمریکا همیشه آماده چنین مأموریت‌هایی بودند سند زیر دلیل دیگری است بر این سخن:

و جناب آقای ناصر مشیری - کفیل پیشکاری علیاحضرت ملکه پهلوی

بسته محتوی دو جفت واصل و به مجرد وصول به موسسه دیور تسلیم گردید. موسسه مزبور قول داده که پس

از تمویض، کفش‌ها را مستقیماً به تهران ارسال دارد.^۲

و) کاخ‌های فرح

یکی دیگر از محورهای مهم هزینه‌آور رژیم پهلوی، ساختن کاخ‌های متعدد در گوشه و کنار ایران، اروپا و آمریکا به ویژه در مناطق خوش آب و هوا بود. دربار پهلوی ده‌ها ویلای گرانقیمت در سراسر جهان داشت که بیشتر زمان حکومتشان را به تفریح و خوشگذرانی در این کاخ‌ها مشغول بودند. تهیه آمار دقیق از این ابنیه به ویژه موارد خارج کشور، کار دشواری است که حتی وزارت دربار نیز از بعضی از آنها بی‌اطلاع بود. با این حال فرح پهلوی در خاطراتش برای عوامفریبی مدعی شده که درباریان، شاه و فرح زندگی محقرانه‌ای داشته‌اند! کم‌توجهی به تناقض‌گویی‌های متعدد در آن شاید بتواند اروپائیان را فریب دهد؛ ولی مردم ایران که از نزدیک شاهد ریخت و پاش‌های بی‌حد و حصر آنان بوده‌اند و پس از انقلاب کاخ اقامت‌های شاه را دیده‌اند که به موزه تبدیل شده و در معرض تماشای همگان قرار گرفته، برای آنان دروغ‌پردازی‌های فرح، رنگی ندارد.

محل سکونت محمدرضا پهلوی از هیچ‌گونه وسیله خنک‌کننده برخوردار نبوده و خانواده ایشان همانند

طبقه محروم در تابستان‌ها در سختی به سر می‌برده‌اند. آنها در تختخواب‌های کوچک و محقرانه‌ای

۱- مورخ ۱۳۲۴/۲/۱۸

۲- همان، مورخ ۱۳۵۰/۹/۲۰

استراحت می‌کرده‌اند که هر آن خوف آن وجود داشته که با کمترین تکانی به پایین پرتاب شوند^(۱)

ز) عشق به عکس بازی

شهبانو فرح! عشق شدیدی به عکس‌بازی داشته و با دعوت از عکاسان خارجی و دادن پول گزاف به آنها به کلکسیون عکس خود می‌افزوده است.

در این سند، آرشیو عکس علیاحضرت ساده‌پوش را ملاحظه فرمایید و به موضوعات آن توجه کنید که با لباس‌های مختلف و در فیگورهای گوناگون است و دریابید که ایشان چقدر ساده زیست بوده‌اند! و دستورالعمل تهیه آرشیو عکس‌های علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران.

برای تهیه آرشیو عکس‌های مربوط به علیاحضرت شهبانو، به شرح زیر اقدام می‌شود:

۱- قطع عکسها در آرشیو ۱۵×۱۰ سانتی متر

۲- هر عکس دارای یک شرح واقعه با ذکر تاریخ و محل.

۳- هر عکس دارای مشخصات مرکز تهیه می‌باشد.

۴- عکسها تحت موضوع‌های مختلف که فهرست آن در زیر از نظر می‌گذرد تقسیم‌بندی شده و سپس به ترتیب حروف الفبا قرار خواهند گرفت.

۵- یک دفترچه راهنما برای یافتن عکس مورد نظر در سه نسخه نگهداری خواهد شد.

۶- پشت هر عکس علاوه بر شرح واقعه و مرکز تهیه، محل قرار گرفتن در آرشیو نیز با مشخصات فنی ذکر خواهد شد تا در صورتی که عکسی به خارج از محل آرشیو انتقال یافت به توان آن را در محل خصوصی آن قرار داد.

این عکس در سری خود دارای شماره ردیف خواهد بود که در دفترچه راهنما نیز منعکس است.

۷- عکس‌ها طبق تقسیم‌بندی زیر فعلاً در پاکت‌های جداگانه باگانی خواهند شد تا نسبت به ساختن جعبه‌های لازم طبق نمونه موجود اقدام شود.

۸- عکس‌ها به موضوع‌های زیر تقسیم‌بندی و به ترتیب حروف الفبا کلاسه خواهند شد:

- دوران طفولیت

- در دیستان و دبیرستان

- در دانشکده‌های هنرهای زیبای فرانسه

- عروسی

- تاجگذاری

- جشن‌های ۲۵۰۰ ساله
- ۲۴ سازمان تابعه به ترتیب حروف الفبا
- مراکز فرهنگی
- مراکز هنری و موزه‌ها
- افتتاح تأسیسات (صنعتی هنری و اجتماعی)
- بازدید کارخانجات صنعتی
- مصاحبه‌ها (داخلی و خارجی)
- مسافرت‌های خارج (به ترتیب حروف الفبا برای هر کشور)
- مسافرت داخلی (به ترتیب حروف الفبا برای هر شهر)
- شب‌نشینی‌ها
- جشن‌ها و اعیاد
- میهمانی‌های خصوصی
- با شاهزادگان
- ۹- سایر عکس‌ها از لحاظ موضوع و حالت علیاحضرت شهبانوی ایران:
 - در حالت ایراد بیانات
 - در لباس استادی
 - در کاخ
 - در دفتر مخصوص
 - در حال خنده
 - در حال تعجب
 - در حال تئاتر
 - در حال نشسته
 - با لباس تابستانی
 - با لباس زمستانی
 - با لباس پیشاهنگی
 - با لباس کنار دریا
 - با کلاه

- در حال بازی والیبال
- در حال بازی تنیس
- در حال اسب سواری
- در حال اسکی
- در حال سایر بازی‌های ورزشی
- با کودکان
- با فرزندان شبانه‌روزی‌های جمعیت خیریه
- با استادان دانشگاه
- با روزنامه‌نویس‌های ایرانی و خارجی
- با ورزشکاران
- با مردم عادی
- با هنرمندان در رشته‌های مختلف
- با بیماران
- در حال رانندگی اتومبیل
- تک چهره (تمام رخ و نیم رخ)
- با خاندان جلیل سلطنت
- ۱- با شاهنشاه آریامهر
- ۲- با والا حضرت ولایتعهد
- ۳- با والا حضرت شاهدخت فرحناز پهلوی
- ۴- با والا حضرت علیرضا پهلوی
- ۵- با والا حضرت لیلا پهلوی
- ۶- تمثال جمعی خاندان
- ۷- با دوستان نزدیک^۱

۱- تعمیر کاخ جهان‌نما

خاندان پهلوی برای رسیدن به امیال خود اکثر سرمایه‌کشور را برای عیاشی و خوشگذرانی‌های خود

هزینه می‌کردند و هیچ احساسی نسبت به گرسنگی، بی‌چیزی و مرگ و نیستی مردم نداشتند و هزینه کردن تمامی سرمایه‌های ملی کشور برای رفاه و آسایش آنان در اولویت قرار داشت. سند زیر گویای این مطلب است:

موضوع: اوامر علیاحضرت شهبانوی گرامی در مورد کاخ‌های جهان‌نما و نوشهر
حسب‌الامر در تاریخ ۳۶/۳/۹ با خانم غیائی در مورد کارهای فوق و اوامر مبارک علیاحضرت شهبانوی
گرامی ایران مذاکره و به شرح ذیل اقدام گردید. مراتب را بدین وسیله به عرض می‌رساند تا در صورت
موافقت از شرف عرض پیشگاه مبارک علیاحضرت شهبانوی گرامی بگذرانند:
۱- مبلغ سه میلیون تومان از بودجه جاری و حقوق کارمندان بیوتات شاهنشاهی در وجه نامبرده پرداخت
گردید تا در کارهای کاخ جهان‌نما وقفه‌ای ایجاد نشود...^۱

۲- تزئین توالت کاخ فرح

ردیف هزینه‌های دربار نامحدود بود و سعی می‌شد برای هر کاری بیشترین مبالغ پرداخت شود تا
اسراف شاهانه هر چه بهتر رخ نماید!
و جناب آقای شاه‌رخ سرپرست محترم امور مالی دربار شاهنشاهی
بنا به فرموده علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران، خواهشمند است دستور فرمایید مبلغ ۳۵۵/۶۴۰
ریال بابت هزینه تزئین دستشویی و توالت زیرزمین کاخ اختصاصی، طبق اوراق پیوست و وجه آقای
مهندس صفاری پرداخت نماید.^۲

۳- مبلمان کاخ فرح آباد

برخی مخارج جانبی حکایت از مبالغ نجومی دیگر و یا کل خرج‌ها دارد. مثلاً برای اطلاع از مبالغ
پرداختی جهت مبلمان و تزئین ویلای شماره ۲ کاخ فرح آباد، به نقل از اسناد دربار می‌خوانیم:
و جناب آقای هویدا نخست‌وزیر
پیرو نامه‌های ... به طوری که استحضار دارند حسب‌الامر مطاع مبارک شاهنشاه آریامهر مقرر است، کاخ
قدیم فرح آباد ویلای شماره ۲ مبلمان و تزئین گردد. برای این منظور مبلغ ۲۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه
برآورد گردیده است.^۳

۱- اسناد دربار، مورخ ۱۳۵۶/۳/۹

۲- همان، مورخ ۱۳۵۶/۲/۱۳

۳- همان، مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۱